

زمنور جو شہسوی

یا  
شہسوی  
پر ایں

سید مہدی محمد سمود

# فهرست مطالب

۱۰۵	حرف ق	۵	مقدمه
۱۰۷	حرف گ	۱۱	لوازم خوشنویسی
۱۲۳	حرف ل	۱۵	شیوه قلم تراشی
۱۳۱	حرف م	۱۷	حالات کاربرد قلم
۱۴۱	حرف ن	۱۷	اسامی اجزاء قلم
۱۴۳	حرف واد	۱۸	طریقه نشستن
۱۴۷	حرف ه	۱۹	فاصله چشم تا صفحه
۱۶۱	حرف ی	۱۹	پایامیند؟
۱۶۷	نقطه و نقطه گذاری	۲۰	روش قلم بدست گرفتن
۱۶۹	جنبه های نقطه	۲۱	آموزش مفردات نقطه
۱۷۱	تفصیح نقطه ها	۲۳	حرف الف
۱۷۱	نقش نقطه در ریکیات	۲۷	حرف پ
۱۷۲	فاصله نقطه تا حروف و کلمات	۴۵	حرف چ
۱۷۲	وقت و نقطه گذاری	۵۵	حرف د
۱۷۳	نقطه واحد اندازه گیری حروف	۵۹	حرف ر
۱۷۳	نقطه های اضافی	۶۵	حرف س
۱۷۴	چگونگی تحریر و اندازه ها	۷۳	حرف ش
۱۸۳	کرسی حروف و کلمات	۸۱	حرف ص
۱۸۶	فاصله بین حروف و کلمات	۸۷	حرف ط
۱۸۹	چند نکته	۹۳	حرف ع
۱۹۳	سرشکتهای نستعلیق	۹۹	حرف ف

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اِحْمَدُ اللّٰهُ رَبَّ الْعَالَمِیْنَ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مٰلِكُ یَوْمِ الدِّیْنِ اِیْمَانُكَ كَعْبُدُ

وَ اِیْمَانُكَ یَسْتَعِیْنُ اِیْمَانُ الصِّرَاطِ اِیْمَانُ

صِرَاطِ الدِّیْنِ اِیْمَانُ عَلَیْمٌ غَمٌّ لِعَصْوِ

عَلِیْمٌ وَّلَا الضَّالِّیْنَ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

هو الله سخن التی الباری بصو

پاس نام و مستدام تصور هستی را که مبدع بدیع است و بقلم صنّش نگارنده صیغه هستی، اوست که  
بازم حکمش صنایع را بنیاد است و از چشمه فیض کثرت ابرافراشت و از سر و حدش بی‌پس نکاست .  
توان احد که عین کثرت آمد      توان جسمی که عین وحدت آمد

سخن در هنر بسیار و مجال نگارش اندک است . هنر و میدان روح احساس و پرواز دادن کبوتر  
اندیشه و خیال در بیکرانه افق زیبایی و طراوت بخشیدن به بیکری زندگی و آراستن مرغ جان با بندگی جاودانگی  
و پوشاندن قبا بی سبز سالاری بر اندام تفکر و اندیشه و موجودیت لطافت روح در عالم اعیان است .  
هنر سر و دزدنکی و آهنگ جاودانگی در مرشیدانی و عشق و شوریدگی و وادی بهت و حیرت  
و ایستگاه معرفت و شناخت است و والاترین هنر عشق است که چشمه حیات ابدیت و زلال معرفت لایزال است .  
آنانکه متفرق جمال حقد و متاع عالمین را چون سپند در آذر عشق آویختند سر و دند که :

تم بویید و خاکم بسبب در زیره شود      هنوز مهر تو باشد در استخوان اید

و آنانکه در دیار خون به پیکار آمدند و در دفاع مقدس شته ساله به ستراختند و بجان سوختند و تبین خاکستر شدند

و حتی استخوانی نباید کار نکند آشتند و آشتند که زندگی یعنی عشق به ابدیت و سوختن در حیرت و حریت و جان با  
 در دیار غربت ، هنرمندان حریم قدسند در رضوان لایزال نغمه خوان گلبن چنند و سام هنر آنان است  
 اگر براق اندیشه را به معراج بریم فزکار و تیرگی مادیّت و نفسانیت از دامن حقیقت بزدایم روح  
 را جلا و قلب اطهارت و صفا بخشم هنر را یک حقیقت و هنرمند را یکتای یابیم و آن وجود لایزال حضرت حق  
 و بدیع السموات و الارض است که فرمود: هُوَ الْاَوَّلُ وَالْاٰخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ .

این همه عکس می و نقش نگارین کن نمود  
 یک فروغ رخ ساقیت که در جامه

و هنر غیر عاریتی است و جلوه ای است از هنر آفرین هستی و نشان هنرمندی کسی را راست آید که فانی در  
 مطلق جمیل و جمال اکل است و آنکه در این باور نیست مدعی است اگر چه هنرش تجلی محلی است  
 و اما هنر خوشنویسی شرافت به شرافت قلم و تقدش به تقدس قلم تعالی است که فرمود:  
 ن وَالصَّلَامُ وَالْمَاطِرُونَ وَهُوَ رَهْ كَلِك خِيَالِ اِنْ كِنِزِ وَ سِرْ كَشْتَانِ سَحْرِ آمِرِ خَوْشَنُوِيَانِ جِهْمَارِ اَبِ صِيَا فْتِ  
 معنوی خواننده و بر قامت کلام وحی و کلمات معصومین علیم استلام و ادبیات برخاسته از مشکوٰۃ حوی  
 جامه ای از لطافت و زیبایی پوشانده و طراوتی مضاعف موجب گردیده است و نسبتی که عروس  
 خطوط اسلامی لقب یافته در اوج اقتدار و زیبایی و لطافت و طراوت روحیات و عواطف خوشنویس  
 را در بهترین صورت و نیکوترین مهندسه به نمایش میگذارد .

هنرمندان و اساتید معظم سلف و معاصر قدما می مثبت و با ارزشی را در امر آموزش این هنر سر